

«سیاست»

احزاب سیاسی

Phak... حزب کمونیست تایلند)

حزب دمکراتیک (prachatipat)

حزب اقدام دمکراتیک (Kit) ...

حزب جبهه دمکراتیک (Naew) ...

حزب دمکراتیک ملی (Chat) ...

حزب خلق (Phak Prachachon)

حزب دمکراتیک سیام ...

حزب اقدام اجتماعی (Kit) ...

حزب سوسیالیست تایلند (Phak) ...

حزب سوسیالیست تایلند (Phak) ...

جبهه متحد سوسیالیست ...

تشکیلات حکومتی (تا قبل از کودتای فوریه ...)

سیستم قضائی

قوه مقننه

قوه مجریه

ساخت سیاسی

ساختار نظامی و دفاعی تایلند

نقش ارتش در صحنه سیاسی ...

قانون اساسی، تحولات و ویژگی های آن

تقسیمات کشوری و اداری

چگونگی شکل گیری اراده سیاسی



تایلند

تایلند در قلب جنوب شرقی سرزمین اصلی آسیا واقع شده است و از نظر جغرافیائی به چهار منطقه

تقسیم می شود: منطقه مرکزی، شمال شرقی، منطقه شمال و منطقه جنوب.



کاوش های باستان شناسی حاکی از وجود تمدن های بسیار کهن در این کشور می باشد. لیکن اولین

حکومت تایلند که تاریخ مدون دارد که از ۱۳۵۷ با روی کار آمدن سلسه پادشاهی سوخوتائی

(Sukothai) یا سوکوتهای آغاز گردید. پنج پادشاه از این سلسله به مدت کمتر از یک قرن بر

این سرزمین حکومت نمودند. تایلند یک مملکت پادشاهی است و کشوری واحد و غیر قابل

تجزیه می باشد. پادشاه رئیس کشور و رئیس قوای مسلح می باشد. حاکمیت



در دست مردم است و پادشاه اختیارات

خود را طبق مفاد قانون اساسی ایفاء می نماید.

مهمترین احزاب سیاسی فعال در تاریخ سیاسی تایلند به قرار زیر است:

حزب کمونیست تایلند (Phak Khomunit Prathat Thai)

حزب دمکراتیک (prachatipat)

حزب اقدام دمکراتیک (Kit Prachatipatai)

حزب جبهه دمکراتیک (Naew Prachatipatai)

حزب دمکراتیک ملی (Chat Prachathipatai)

حزب خلق (Phak Prachachon)

حزب دمکراتیک سیام (Prachatipat Siam)

حزب اقدام اجتماعی (Kit Sangkom)

حزب سوسیالیست تایلند (Phak Sangkom Niyon Haeng Prather Thai)

جبهه متحد سوسیالیست (Naew Ruam Sangkom Niyom)

حزب سینی زن تائی (Pravhakron thai)

حزب ملت تایلند (Chat Tai)

حزب کمونیست تایلند (Phak Khomunit Prathat Thai)

نهضت‌های کمونیستی در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ در تایلند پدیدار شدند اینها یا انشعابی از احزاب

کمونیست چین بودند که سعی در دریافتن نیروهای تازه در میان کارگران چینی تایلند، معلمان و

دیگر گروه‌های حرفه‌ای به‌ویژه در بانکوک داشتند، و یا گروه‌های انقلابی ویتنامی بودند که سعی

می‌کردند حمایت ویتنامی‌های پناهنده و مهاجر شمال تایلند را بدست آورند. ولی نخستین حزب

کمونیست تایلند رسماً از دسامبر ۱۹۴۲ فعالیت سیاسی خود را آغاز کرد و تا مدت کوتاهی بعد از

جنگ جهانی دوم فعال بود. متعاقب کودتای ۱۹۴۷ رهبری حزب به نام Prasert

sabsunthorn به چین گریخت و مدت یازده سال در آنجا بود.

رژیم Phibun (۱۹۴۸-۵۷) جمعی از اعضای کمیته چینی‌ها را به‌عنوان متهمان کمونیست دستگیر

کرد. در ۱۹۵۲ دومین کنگره حزب خواستار مقابله نظامی با حکومت شد. بعد از یک دوره

کم‌توجهی، با انتشار اثر یک مارکسیست جوان روشنفکر تایلندی به نام Chit Phumisak که

پیرامون فنوداليسم تایلند نگارش یافته بود، سرکوب کمونیست‌ها شتاب فزاینده‌ای یافت. سران و کادرهای حزبی مجبور به ترک بانکوک و استقرار در مناطق دور شمال شرقی شدند. در آنجا با جنبش‌های چریکی چپ‌گرای دیگر پیوند یافته و دکتترین مائوئیستی را پذیرفتند.

مبارزات نظامی و مسلحانه در مقیاس کوچکی در ۱۹۶۵ در منطقه شمال شرقی آغاز شد جناح‌های کمونیستی ارتباطاتی نیز با حزب کمونیست مالزی در جنوب برقرار کردند. در ۱۹۶۴ به نشانه اعتراض به استفاده آمریکا از خاک تایلند برای سازماندهی نیروهای ویتنام و لائوس جنبش مستقل تایلند توسط حزب کمونیست سازمان یافت. و در ۱۹۶۵ جبهه میهنی تائی اعلام موجودیت کرد. سپس در ۱۹۶۹ نیروهای مسلح آزادیبخش مردمی تایلند تأسیس شد و تا ۱۹۷۹ تخمین زده می‌شود حدود ۱۲۰۰۰ تا ۱۴۰۰۰ چریک مسلح در سراسر تایلند بخصوص در جنوب، شمال شرقی و نیز قسمتی در شمال و غرب منطقه مرکزی تایلند فعالیت داشتند.

در طول دوره دمکراتیک تایلند در فاصله سالای ۱۹۷۴-۷۶ حزب کمونیست تایلند نقش فعالی ایفاء نمی‌کرد ولی تماس‌های خود را با برخی رهبران دانشجویی و دانش‌آموزی بانکوک گسترش داد. سیاست حزب کمونیست بیشتر منطبق بر مبارزه روستائی بود تا متمرکز بر جنبش‌های شهری. بعد از کودتای اکتبر ۱۹۷۶ حزب صفوف نیروهای خود را در میان کارگران و قیام‌های دانشگاهی و دانش‌آموزی ناحیه بانکوک مستحکم کرد.

در سپتامبر ۱۹۷۷ رادیوی صدای مردم تایلند که از چین برنامه پخش می کرد، وجود کمیته هماهنگی گروه های دموکراتیک و میهنی را اعلام کرد. در واقع از ۱۹۷۶ توجه و الحاق جوانان، رادیکال ها و افراد طبقه متوسط تحصیل کرده به حزب موفقیت بزرگ آن حزب بود.

ولی بحران ناشی از بحران هندوچین و جنگ میان ویتنام و چین مشکلاتی برای حزب کمونیست تایلند فراهم کرد. حمله ویتنام به کامبوج بخشی از ارتباط را قطع کرده و پناهگاه هائی را که توسط رژیم پول پوت ایجاد شده بود از بین برد. و دولت لائوس نیز به همین میزان خواهان از بین بردن تسهیلات مشاهده شد که برای حزب کمونیست تایلند در قسمت های شمالی و شمال شرقی فراهم کرده بود شد. در این ایام بود که اختلافات شدیدی میان اعضای رهبری حزب بروز کرد؛ عده ای طرفدار چین بودند و بخشی از ویتنامی های حمایت می کردند. جناح های دانشجویی و دانش آموزی، روشنفکران و گروه های حرفه ای که با حزب کمونیست همکاری می کردند، از اکتبر ۱۹۷۶ گروه سومی را تشکیل دادند که بر استقلال ملی و نیز آنچه راه تائی نامیده شد تأکید داشتند.

حزب دمکراتیک (prachatipat)

این حزب که مشهورترین حزب سیاسی کشور است در ۱۹۴۶ توسط یکی از اشراف زادگان کامبوج غربی که زمانی جزو خاک تایلند بود، به نام Kuang تأسیس شد. **khuang** خود از رهبران بلند پایه کودتای ۱۹۳۲ بود. **khuang** با حمایت همکاران خود موفق شد مارشال **Phibun** را به عنوان نخست وزیر در سال های ۴۵-۱۹۴۴ به قدرت برساند و خود نیز چند ماهی در

۱۹۴۶ نخست وزیر شد. khuang از لیبرالیسم اقتصادی دفاع کرده و معتقد بود که نه فقط دولت فاقد مکانیسم لازم برای کنترل قیمت‌هاست بلکه منجر به افزایش تورم شدید هم می‌شود. این موضع‌گیری حمایت حزب ترقی‌خواه و نیز چند گروه دیگر را باعث شد.

از این پس حزب دمکراتیک موضع‌گیری خود را با عدم مداخله دولت در امور اقتصادی، تجارت آزاد، و رقابت در امور اقتصادی نشان داد و به سمت موضع حمایت از مردم و حاکمیت قانون، و نیز توجه به پاکی، اخلاص و وفاداری کشیده شد. و همواره از دولت می‌خواستند تا قانون را رعایت کرده و وظایف خود را در پرتو قانون انجام دهند. و از نقطه نظر سیاسی نیز خواهان عملکرد دولت‌های محلی مردمی بودند تا سلسله مراتب مبتنی بر تمرکزگرائی شدیدی که توسط وزارت کشور اعمال می‌شد.

از آن پس حزب دمکراتیک به بزرگترین حزب مخالف تایلند تبدیل شد. ولی در طول سه دهه فقط در دو دوره موفق به تشکیل دولت شد؛ اولین بار دولت Kuang فقط شش ماه در فاصله ۴۸-۱۹۴۷ و بار دیگر دولت Seni در ۱۹۷۸ که فقط پنج ماه طول کشید زیرا که کودتای نظامی به هر دو دولت خاتمه دادند. این حزب نیز برای مدتی کوتاه اجازه فعالیت رسمی داشت. در دومین باری که حزب دمکراتیک قدرت را توسط Seni در دست داشت، شرایط سیاسی کشور بشدت آشفته بود و همین امر فرصت را برای کودتائی فراهم ساخت.

تلاش‌های دردآور بزرگترین حزب تایلند برای تحقق اهداف خود هرگز پایان نیافت. در جریان انتخابات ۱۹۷۹ انتظار می‌رفت که حزب دمکراتیک فعالیت مناسبی بخصوص در بانکوک داشته

باشد. در حالی که فقط ۱ کرسی در انتخابات بدست آورد و در عوض ۲۹ کرسی در رقابت

انتخاباتی توسط Thai Citizen Party قبضه شد و مقام وزارت کشور در اختیار حزب

دمکراتیک قرار گرفت. در انتخابات مذکور از کل ۳۰۱ کرسی انتخاباتی فقط ۳۴ کرسی به حزب

دمکراتیک تعلق گرفت. با این شکست برای حزب بود که از آن پس بار دیگر نقش مخالف و

اپوزیسیون خود را در داخل از سر گرفت.

حزب اقدام دمکراتیک (Kit Prachatipatai)

این حزب در ۱۹۷۹ تأسیس شد و فقط سه کرسی در انتخابات ۱۹۷۹ بدست آورد. حزب مذکور

به منزله مکانیزمی برای عملکرد مارشال نیروی هوایی Chullasapya یعنی پایدارترین فرد در

سیاست‌های تایلند درآمد.

حزب جبهه دمکراتیک (Naew Prachatipatai)

حزب مذکور در ۱۹۶۸ به عنوان گروهی اصلاحگرا توسط Phaitoon بنیانگذاری شد. نامبرده

خود عضو دپارتمان توسعه وزارت کشور و از اهالی منطقه شمالی کشور بود. Phaitoon همواره

سیاست‌های دولت را در خصوص روستاها به باد انتقاد می‌گرفت و سرانجام از موضع دولتی خود

استعفا کرد تا بتواند حزب را سازماندهی کند. حزب مذکور برغم ارائه نظریات مترقیانه در پیشبرد

اهداف خود ناتوان مانده و بسرعت از هم پاشید. فقط در دوره دمکراتیک یعنی سالهای ۷۶-۱۹۷۴

رهبری حزب تصدی کمیته امور خارجی را عهده‌دار شد.

حزب دمکراتیک ملی (Chat Prachathipatai)

این حزب در ژوئن ۱۹۸۱ توسط kriangsak Chamanan و با جمع آوری اعضای از دیگر احزاب تشکیل شد و تا پایان آن سال به دومین حزب بزرگ کشور تبدیل شد که در مجلس نمایندگان ۵۰ کرسی را در اختیار خود داشت. ولی از آن پس محبوبیت حزب روبه کاهش گذاشته است.

حزب خلق (Phak Prachachon)

این حزب در ۱۹۴۶ توسط liang Chayakan بنیانگذاری شد. در انتخابات ۱۹۴۸ حدود دوازده کرسی در پارلمان بدست آورد و با دولت Phibun در سالهای ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۱ همکاری داشت. حزب معتقد به ایجاد دادگاه رسیدگی به تخلفات نوجوانان، بهبود موقعیت حکومت قانون و معرفی آموزش پیشرفته و تکنیکی بود.

این حزب همچون دیگر احزاب مجدداً فعال گردید. حزب متعهد به دفاع از ملت مذهب، شاه و قانون اساسی بوده و مرامنامه‌ای مبتنی بر حقوق و آزادی مردم تایلند، نیاز به دولتی که براساس اکثریت در انتخابات تشکیل شده باشد و نیز یک مجلس سنای انتخابی بود. حزب همچنین معتقد بود که حکومت مرکزی نباید در امور محلی مداخله کند. از دیگر نکات اعتقادی حزب تأکید شدید بر بهبود حداقل شرایط زندگی کشاورزان، کارگران و خدمه جزء بود. در دوران دمکراتیک یعنی سالهای ۷۶-۱۹۷۴ با چند حزب چپگرا ادغام شده و جبهه سوسیالیست متحد را بوجود آورد.

حزب دمکراتیک سیام (Prachatipat Siam)

حزبی راستگرا است که در ۱۹۸۱ توسط کنل Phon Rerngprasertuit تشکیل شده و تعداد قابل توجهی از کرسی‌های پارلمان را بدست آورد.

حزب اقدام اجتماعی (Kit Sangkom)

این حزب توسط Kukrit بنیانگذاری شد که بانی حزب ترقی خواه ۱۹۴۶ نیز بود. Kukrit نویسنده‌ای بانفوذ، ناشر و روزنامه‌نگار بود. متعاقب سقوط حکومت‌های Praphat , Tharom در ۱۹۷۳، شاه پیمانی ملی را منعقد ساخت تا براساس آن اعضای جدید مجلس ملی انتخاب شوند و Kukrit در این مجلس راه یافت.

در انتخابات ۱۹۷۵ حزب مذکور فقط هشت کرسی بدست آورد. بعد از شکست seni در تشکیل دولت، Kukrit ائتلافی را توسط سه حزب عمده راستگرا یعنی حزب ملی تائی، حزب عدالت اجتماعی و حزب ناسیونال سوسیالیست و چند حزب اقلیت بوجود آورد. دولت او دستاوردهائی را حاصل کرد و برای شاید اولین بار تلاش‌هایی توسط دولت برای انجام اموری به نفع اکثریت مردم تایلند انجام داد. از نقطه نظر سیاست خارجی هم دولت Kukrit ابداعات قابل توجهی را آغاز کرد. جمهوری خلق چین را به رسمیت شناخت و شخصاً از پکن بازدید به عمل آورد. روابط دیپلماتیک با رژیم‌های سیاسی نوین هندوچین برقرار کرد. دولت او عامل مهمی در عقب‌نشینی نیروهای نظامی آمریکا از خاک تایلند و نیز برچیدن پایگاه‌های هوایی آمریکا در تایلند بود. در انتخابات

۱۹۷۶ حزب اقدام اجتماعی ۴۵ کرسی در پارلمان بدست آورد و در مقام سوم بعد از حزب دمکراتیک و حزب ملت تایلند قرار گرفت.

حزب اقدام اجتماعی در ائتلاف Seni شرکت نکرد. بعد از کودتای اکتبر سال ۱۹۷۶ و از هم پاشیدن مجلس انتخابی و ممنوعیت احزاب سیاسی که دو سال و نیم به طول انجامید، Kukrit به نوشتن پرداخت و در انتخابات ۱۹۷۹ به عنوان بزرگترین حزب حدود ۸۸ کرسی در مجلس را بدست آورد. مقام‌های بعدی در این انتخابات به ترتیب متعلق به حزب ملت تایلند با ۴۷ کرسی و حزب دمکرات با ۳۵ کرسی بود.

حزب سوسیالیست تاینند (Phak Sangkom Niyon Haeng Prather Thai)

این حزب توسط مشهورترین چهره رهبری ۱۹۷۳ یعنی Boonmee و با ادغام حزب دمکراسی اجتماعی و گروه خلق برای دمکراسی ایجاد شد. انتخابات ۱۹۷۵ حزب پانزده کرسی بدست آورد. بعد از کودتای ۱۹۷۶، سران این حزب همراه با دیگر سوسیالیست‌ها در همکاری با حزب کمونیست تایلند به مبارزه مسلحانه علیه حکومت پرداختند. رهبر حزب در ۱۹۷۹ دوباره فعالیت سیاسی خود را از سر گرفته و به عنوان رهبری حزب تازه سازمان یافته دمکراسی اجتماعی انتخاب شد.

جبهه متحد سوسیالیست (Naew Ruam Sangkom Niyom)

این حزب در ۱۹۵۷ بنیانگذاری شد و ترکیبی از جنبش های پارک، حزب اکونومیست و حزب دمکراتیک اجتماعی بود. در ۱۹۷۵ که فعالیت های سیاسی خود را از سر گرفت تعدادی دیگر از گروه های سیاسی نظیر حزب جبهه دمکراتیک، جبهه متحد اکونومیست، حزب خلق و تعدادی دیگر را در بر می گرفت. در ۱۹۷۹ با حزب سوسیالیست تایلند ادغام شد و در نتیجه حزب دمکراسی اجتماعی بوجود آمد.

حزب سینی زن تائی (Pravhakron thai)

یکی از اعضای راستگرای حزب دمکراتیک و وزیر کشور دولت Thanin به نام Samak در ۱۹۷۹ این حزب را که به حزب خلق تایلند نیز مشهور بود ایجاد کرد. رهبری حزب به عنوان رهبری توانا، سخت کوش، چهره ای تلویزیونی و نیز مقاله نویس روزنامه ها همواره رهبران نظامی که او را در کودتای ۱۹۷۶ کنار زده بودند به باد انتقاد و حمله گرفت. در جریان انتخابات ۱۹۷۹ این حزب موفق به کسب ۲۹ کرسی در مجلس ملی شد. بعد از این انتخابات Samak به عنوان چهره ای انتقادگر و مخالف باقی ماند.

حزب ملت تایلند (Chat Tai)

این حزب در ۱۹۷۵ برای شرکت در مبارزات انتخاباتی تأسیس شد. به ائتلاف Seni پیوست و در انتخابات ۱۹۷۹ در ردیف دوم احزاب موفق در کسب آرای انتخاباتی مجلس ملی قرار گرفت.

از دیگر احزاب سیاسی کشور تایلند احزاب زیر قابل توجه می باشند:

- جبهه قانون اساسی

- حزب تعاون و همکاری

- حزب اکونومیست

- جبهه متحد اکونومیست

- کشاورزان ۲۱

- جامعه آزاد خلق تایلند

- حزب حکومت

- جنبش های پارک

- حزب حاکمیت - عدالت

- گروه لیبرال

- حزب ملی خلق

- حزب نیروی جدید

- گروه مردمی

- حزب ترقی خواه

- حزب آزادی سیام

- حزب دمکراسی اجتماعی

- حزب عدالت اجتماعی

- حزب ناسیونالیست اجتماع

- حزب تائی

- حزب حاکمیت تائی

- حزب اجتماعی تائی

تشکیلات حکومتی (تا قبل از کودتای فوریه ۱۹۹۱)

قوه مقننه

مجمع ملی:

مجمع ملی موظف به بررسی و تصویب لوایح است. مجمع مزبور یک قوه مقننه دو مجلسه است:

مجلس سنا ۲۴۳ عضو دارد که همگی به توصیه نخست وزیر توسط پادشاه منصوب می گردند، و

مجلس نمایندگان دارای ۳۵۷ عضو است که توسط مردم انتخاب می شوند. سناتورها باید از بدو

تولد تبعه تایلند بوده و ۳۵ سال یا بیشتر سن داشته باشند. دوره تصدی در مجلس نمایندگان چهار

سال است. پادشاه می تواند مجلس نمایندگان را برای انتخابات جدید منحل سازد. اعضای سنا و مجلس نمایندگان طی اجلاس های مجمع ملی در اظهار نظر و رأی دادن خود آزاد و مصون هستند. در اجلاس های مجمع ملی حضور نصف نمایندگان هر یک از دو مجلس ضروری است. رئیس مجلس سنا به عنوان رئیس مجلس انجام وظیفه می کند. مجمع ملی قدرت کنترل اداره امور مملکت و تصویب امور مزبور را دارد.

قوه مجریه

- شورای وزیران:

پادشاه نخست وزیر را منصوب می نماید و فرمان پادشاه به امضای رئیس مجمع ملی نیز رسانده می شود. پادشاه همچنین به توصیه نخست وزیر نفرات حداکثر تا ۴۴ وزیر را برای تشکیل وزیران منصوب می کند. پادشاه می تواند به توصیه نخست وزیر هر یک از وزرا را از کار برکنار سازد. نخست وزیر و وزرا نمی توانند کارمند دولت یا عضو نیروهای مسلح باشند و نیز در تأسیسات انتفاعی خصوصی دارای عنوانی باشند. نخست وزیر و وزرا در اجلاس های مجمع ملی حق اظهار نظر داشته ولی حق رأی دادن را ندارند.

- اختیارات اضطراری:

پادشاه می تواند فرامینی را که با قوانین مملکتی منافات نداشته باشد مجری سازد. کلیه قوانین و فرامین سلطنتی مربوط امور مملکتی باید به امضای نخست وزیر نیز برسد. در موارد اضطراری وقتی

که نیاز فوری و شدید برای حفظ صیانت ملی یا امنیت عمومی و یا دفاع از اقتصاد ملی و جلوگیری از فاجعه عمومی و ملی وجود دارد، پادشاه می تواند فرمان وضعیت اضطراری و فوق العاده صادر نماید که قدرت قانونی خواهد داشت. فرمان حالت فوق العاده باید از طرف

شورای وزیران در اسرع وقت به مجلس ملی تسلیم گردد. چنانچه این فرمان مورد تصویب مجمع ملی قرار گیرد اجرای آن ادامه خواهد یافت و گرنه فسخ می گردد.

سیستم قضائی

دادگاه عالی (Sarn Dik) دادگاه نهائی استیناف در همه امور جنائی، کارگری، نوجوانان، مدنی و مربوط به ورشکستگی است. دادگاه برخی اوقات جلسات مقدماتی تشکیل می دهد تا به بررسی قضایائی بپردازد که حائز اهمیت وافر است. حدنصاب این دادگاه سه قاضی است.

دادگاه استیناف (Sarn Uthorn) این دادگاه صلاحیت رسیدگی به همه موضوعات جنائی، مدنی، ورشکستگی و نوجوانان را دارد. در عین حال به پژوهش درباره همه دعاوی بدوی که از سراسر کشور واصل می شود را بجز دادگاه مرکزی کارگری دارد. در این دادگاه دو قاضی

حدنصاب را تشکیل می دهند. رئیس فعلی دادگاه آماک خلایزنگ (Ammak Khlaisang)

دادگاه های بدوی

دادگاه های مرکزی جوانان - این دادگاه مسئولیت و صلاحیت رسیدگی به جرایم نوجوانان و کودکان را عهده دار است. حدنصاب در این دادگاه ها دو قاضی و دو نفر دستیار قاضی است که باید یکی از آنها زن باشد. چنین دادگاه هایی در بانکوک، سونگ کلا، چیانگ مای، رایونگ و

چند شهر دیگر دایر است. دادگاه مرکزی کار - صلاحیت رسیدگی به امور کارگری در سراسر کشور را دارد. دادگاه مدنی - دادگاه بدوی رسیدگی به جرایم مدنی است که در بانکوک واقع بوده و حدنصاب آن دو نفر قاضی است.

دادگاه کیفری

این دادگاه صلاحیت رسیدگی به جرایم کیفری را داشته و در بانکوک مستقر است. حدنصاب آن دو نفر قاضی می باشد.

دادگاههای دادرسی

صلاحیت رسیدگی به موارد کم اهمیت را داراست و با وجود یک قاضی حدنصاب می یابد.

دادگاههای استان

این دادگاهها صلاحیت نهائی رسیدگی به همه امور مدنی و کیفری در حوزه استان را دارا می باشند. حدنصاب آنها نیز دو نفر قاضی است. در هر یک از پنج استان جنوبی تایلند (- Yala

Pattani - Narathiwot - Betong) که اکثر جمعیت مسلمان هستند دو قاضی مسلمان وجود دارد. که اینها به اجرای شریعت دینی در مواردی که طرفین مسلمان هستند رسیدگی می کنند. سؤالات و قوانین اسلامی و استفاده آنها توسط قاضی مسلمان تفسیر و نهائی می شود.

دادگاه مدنی Thon Buri - این دادگاه صلاحیت رسیدگی بر امور مدنی ۹ ناحیه حومه ای بانکوک را به عهده دارد.

ساخت سیاسی

ر تایلند با آنکه حکومت مشروطه سلطنتی برقرار شده و امور حکومت بدست دولت است لکن پادشاه مقام والائی در نزد مردم دارد و برای او تقدس قائل هستند و رهبران سیاسی و فرماندهان ارتش و صاحبان صنایع و سرمایه همگی برای حفظ موقعیت خود در تکریم و بزرگداشت پادشاه کوتاهی نمی کنند.

دولت تایلند همان طور که در فوق تشریح شده است طبق قانون اساسی از طریق انتخابات و تأمین نظرات نیروهای ارتش و تصویب پادشاه امور را اداره می نماید یکی از دلایل مطرح شدن ارتش و

دخالت آن در امور اداری کشور وضعیت بخصوصی است که تایلند در طی سنوات بعد از جنگ جهانی دوم با آن روبرو بوده است. در ایام بعد از جنگ و مسئله ویتنام و هندوچین و مقاصد و

اهداف چین در منطقه مطرح بود و آمریکا بشدت در برابر اهداف چین ایستاده و در جنگ هندوچین درگیر شده بود با کشورهای مختلف آسیای جنوب شرقی از جمله تایلند روابط نزدیک برقرار ساخته بود و مسئله هم مرزی از یک طرف و مسئله فعالیت های نیروهای کمونیست از طرف

دیگر باعث شد که به ارتش نقش ویژه ای داده شود، و لذا زمینه برای دخالت ارتش در زندگی سیاسی مملکت فراهم شد. امروزه نیز حفظ وحدت مملکت و مبارزه با نیروهای کمونیست در

صدر امور و حساسیت های دولتی قرار دارد. در خصوص اقلیت ها باید گفت که تعداد آنان چندان

مهم نیست که بتوانند نقش عمده ای ایفا کنند لکن اقلیت ملایو چون در استان های محل زندگی

خود اکثریت هستند و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشند و مدت‌ها است که ذهن مقامات را به خود مشغول نموده‌اند.



ساختار نظامی و دفاعی تایلند



نقش ارتش در صحنه سیاسی تایلند

تایلند تا ۱۹۳۲ بصورت استبداد سلطنتی اداره می‌شد. در این سال طی کودتائی که توسط پریدی پاتامیونگ با همدستی ژنرال پیون سونگ کرام و سرهنگ پاهون پون پایوسنا صورت گرفت، عصر سلطنت استبدادی رامای هفتم خاتمه یافته و به رژیم مشروطه مبدل گشت که قدرت را در اختیار نظامیان قرار می‌داد. از آن پس هر چند گاه یکی از سران ارتش با کودتائی دولت را سرنگون و خود قدرت را در دست می‌گرفت. این کودتاها بخش مهمی از تاریخ سیاسی تایلند را تشکیل می‌دهند.

در جریان جنگ جهانی دوم و اتحاد تایلند با ژاپن بر علیه نیروهای متفق و سپس تحلیل قدرت نظامی ژاپن، نظامیان را مجبور ساخت تا در سالهای ۱۹۴۵ الی ۱۹۴۷ به حکومت غیرنظامیان تن در دهند. این دولت ها که هرگز توانائی حفظ خود را نداشتند، زمینه کودتائی را فراهم ساختند که در نوامبر ۱۹۴۷ توسط ژنرال بین چون هاوان انجام گرفت. در ۱۹۶۸ نظامیان بنا بر احساس نیاز به برقراری نوعی دمکراسی، دست به برگزاری انتخابات و تشکیل مجلس قانونگذاری زدند. ولی مشکلات متعدد اقتصادی از یک طرف و رقابت داخلی میان نظامیان از طرف دیگر زمینه های یک انقلاب دمکراتیک را فراهم ساخت. در ۱۹۷۲ شورش های دانشجویی بالا گرفت و در نتیجه در ۱۹۷۳ نظامیان از قدرت رسمی برکنار و یک دولت غیر نظامی تشکیل شد. هر چند نظامیان قدرت را به یک دولت غیر نظامی واگذار کردند ولی شرایط اقتصادی و اجتماعی به سود نظامیان و تقویت پایگاه ارتش در میان مردم سیر می کرد.

در اکتبر ۱۹۷۶ که دانشجویان دانشگاه تاماسات دست به اعتصاب زده و سایر امور کشور نیز در حال فلج شدن بود، ارتشیان فرصت را مناسب دانسته و به عنوان ناجی وارد عمل شدند، اعتصاب دانشجویان سرکوب شد، رهبران دانشجویی دستگیر شده و احزاب سیاسی مختلف و نیز مجلس شورای ملی، اتحادیه های کارگری و کشاورزی منحل شدند. این بار نظامیان تصمیم گرفتند که از بالا قدرت را دست داشته باشند ولی جهت حفظ وجهه ارتش یک غیر نظامی مأمور تشکیل دولت شد، و به این ترتیب در میان طبقات مختلف مردم این احساس ایجاد شد که در واقع نظامیان قادر به برقراری نظم و آرامش هستند و وجود یک دولت مستبد نظامی بهتر از وجود بی نظمی و

فلج شدن کل کشور است و لذا حرکت نظامیان و روی کار آمدن یک دولت مردمی، اقدامی مردمی جلوه گر شد.

در اکتبر ۱۹۷۷ دولت به اصطلاح غیرنظامی سرنگون و ژنرال گریانساک چومانان سعی کرد و تلاش ارتش را برای بازگرداندن دموکراسی به کشور آغاز کند. از این روی از شدت سانسور کاسته، دستگیر شدگان را آزاد کرد و اجازه داد که احزاب سیاسی مخالف فعالیت خود را از سر گیرند و حتی قول برگزاری انتخابات را نیز داد. انتخابات در ۱۹۷۹ برگزار شد و احزاب دموکرات، اقدام اجتماعی و چارت‌تای از این پس به‌عنوان مهمترین احزاب در صحنه سیاسی کشور ظاهر شدند.

نظامیان سعی کردند با ازدواج‌ها و وصلت‌های خانوادگی و تشکیل شبکه‌های قدرت ریشه‌های نفوذ سیاسی خود را تقویت کنند. ولی رقابت‌های درون‌گروهی نیز وجود داشت دولت ژنرال گریانساک در مارس ۱۹۸۰ توسط ژنرال پرم تینسولاند ساقط گردید. ژنرال پرم مدت ۸ سال برغم چند کودتای نافرجام حکومت کرد تا اینکه در جولای ۱۹۸۸ از قدرت کناره‌گیری نموده و طی انتخاباتی که صورت گرفت ژنرال چات‌چات چون‌هاوان رهبر حزب چات‌تای که حزب وی اکثریت آراء را بدست آورده بود به‌عنوان نخست‌وزیری در رأس یک دولت ائتلافی مرکب از نمایندگان احزاب قرار گرفت.

دولت ژنرال چات‌چای مدتی پس از تشکیل به اتهام وجود فساد در دستگاه‌های دولتی مورد انتقاد قرار گرفت و حتی چند بار در مجلس نمایندگان استیضاح گردید. دولت چات‌چای هرچند در ۲۷

اوت ۱۹۹۰ برای حفظ اعتبار رئیس آن ترمیم شد؛ ولی همچنان مشکلات ادامه داشت تا اینکه در ۲۳ فوریه ۱۹۹۱ کودتای دیگری انجام گرفت.

طی کودتای مذکور نظامیان با استناد به فساد در دولت چات‌چای قدرت را طی تشکیل شورای

ملی حافظ صلح در دست گرفتند. شورای نظامی پارلمانی را منحل و قانون اساسی مصوب ۱۹۸۷

را ملغی اعلام نمود و سپس از آنانه پانیا را چون رئیس وقت فدراسیون صنایع تایلند خواست تا

تصویب قانون اساسی جدید و انجام انتخابات مجلس در رأس هیئت دولتی مرکب از افراد

تکنوکرات و خوشنام قرار گیرد. شورای نظامی همچنین مجلس جدیدی را با اکثریت افسران

ارتش جهت بررسی تدوین و تصویب قوانین تشکیل داد و کمیته مخصوصی را نیز مسئول تهیه

پیش‌نویس قانون اساسی و یک نظام انتخابات عمومی جدید نمود. به نظر می‌رسد که کودتای اخیر

و نتایج حاصل از آن تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر صحنه سیاسی تایلند گذارد.

از ۱۹۳۲ تا کنون که اغلب قدرت سیاسی کشور در اختیار نظامیان بوده است و رؤسای دولت‌ها

همواره از سران ارتش بوده‌اند، غیرنظامیان هیچ‌گاه فرصت نیافته‌اند در صحنه سیاسی داخلی و

خارجی نقش کلیدی ایفاء کنند. هرچند گاهی نیز که قدرت در اختیار غیرنظامیان قرار گرفته است

در واقع هدف این بوده است تا با بزرگ کردن ناتوانائی آنها در اداره کشور، لزوم حضور نظامیان

در رأس هرم قدرت توجیه شده و پایگاه آنان در میان مردم تقویت و استحکام یابد.

بنابراین هرچند می‌توان به قوت گفت که ارتش در تایلند رکن اصلی سیاسی است؛ ولی باید توجه

داشت که انتقادات شدید اخیر مطبوعات کشور از ژنرال سوچیندا که در حال حاضر معاونت

شورای نظامی: فرماندهی کل نیروهای مسلح و فرماندهی نیروی زمینی را به عهده دارد، به نظر می‌رسد ادامه سلطه نظامیان تا حدی با مشکل مواجه شده، و رهبران ارتش برای ارضای جاه‌طلبی سیاسی خود ناگزیر به تمکین از اصل دموکراتیک شوند.

قانون اساسی، تحولات و ویژگی‌های آن

از ۱۹۳۲ تا کنون ۱۴ قانون اساسی تنظیم شده است که آخرین آنها قانون مصوب ۲۲ سپتامبر بود که تا کودتای فوریه ۱۹۹۱ قوت اجرائی داشت. قانون مذکور مشتمل بر ۲۰۶ بخش بود که در ۱۱ فصل و یک فصل موقت تدوین گردیده بود. فصل موقت آن نیز در ۱۹۸۳ خاتمه یافت. خلاصه‌ای از قانون مذکور به شرح زیر می‌باشد:

تایلند یک مملکت پادشاهی است و کشوری واحد و غیر قابل تجزیه می‌باشد. پادشاه رئیس کشور و رئیس قوای مسلح می‌باشد. حاکمیت در دست مردم است و پادشاه اختیارات خود را طبق مفاد قانون اساسی ایفاء می‌نماید. پادشاه از طریق مجمع ملی وظایف تفنیفی، از طریق شورا وزیران و وظایف اجرائی، و از طریق دادگاه‌ها اختیارات قضائی خود را به مرحله اجراء می‌گذارد. شخص پادشاه مقدس و مصون و هیچ کس حق طرح دعوی یا تعقیب او را ندارد. پادشاه رئیس شورا سلطنت و چهارده نفر اعضاء آن را منصوب می‌نماید. شورا سلطنت موظف است در خصوص کلیه مسائل مربوط به وظایف پادشاه نظرات مشورتی خود را در اختیار او قرار دهد. ملک بهومیبول ادولیاچ (رامای نهم) و پادشاه و رئیس مملکت است که در ژوئن ۱۹۴۶ به سلطنت رسیده است.

همان طور که گفته شد عاملین کودتای فوریه ۱۹۹۱ (شوراء ملی حافظ صلح) قانون اساسی سال ۱۹۷۸ را ملغی اعلام نمود و مجلس جدیدی را با اکثریت افسران ارتش مأمور بررسی، تدوین و تصویب قوانین نموده و همچنین کمیته مخصوصی را نیز مسئول تهیه پیش نویس قانون اساسی و یک نظام انتخابات عمومی جدید نمود.

کمیته مرور و پیش نویس قانون اساسی علیرغم انتقاد شدید احزاب سیاسی مخالف، آکادمیسین ها و فعالین سیاسی، پیش نویس قانون اساسی جدید را تهیه کرده است. براساس این پیش نویس به طور نسبی دموکراتیک، موضوع تشکیل کمیته قانون اساسی با وظیفه لیست شرایط انتصاب در مجلس سنا، نظارت بر جریان برگزاری انتخابات عمومی و نیز تعیین مکانیزمی برای جلوگیری از شرکت سیاستمداران متهم به فساد در انتخابات پیش بینی شده بود.

پیش نویس به مجلسی که اعضاء آن از طرف شورای نظامی با اکثریت نظامیان و بوروکرات های هوادار نظامیان منصوب شده بود ارائه شد. مجلس مذکور که در واقع نقش مجلس ملی تایلند را ایفاء می کند به منظور بررسی پیش نویس، کمیته مرور قانون اساسی را تعیین کرد که کمیته

مذکور در ۱۱ نوامبر پیش نویس را با اصلاحاتی به تصویب رسانید. از جمله مهمترین ابعاد طرح قانون اساسی جدید موردی است که طی آن افسران ارتش و کارمندان دولت می توانند با حفظ سمت بدون استفاده از مقام خود به عضویت هیئت دولت انتخاب شوند مطبوعات تایلند انتقادات شدید به این موضوع داشته و وضعیت فعلی را عقب گردی در توسعه سیاسی کشور می دانند و معتقد هستند که قانون اساسی فقط در جهت منافع گروه های معدودی است. گروه های معدود مورد

ذکر حزب ساماخی تام و چات تایی هوادار شورا نظامی برای حزب قدرت ارتش در برگزاری انتخابات آینده است.

هفته‌نامه ماتیچون می‌نویسد آنچه در صحنه سیاسی حال حاضر تایلند می‌گذرد دوری باطل از آن چیزی است که شش دهه است بر کشور حاکم می‌باشد روزنامه نیشن نیز کمیته مرور قانون اساسی را زمینه‌ساز قانونی ادامه سلطه شورا نظامی برای چهار سال دیگر می‌داند. پیش‌نویس مذکور در اواخر نوامبر در شور دوم و سوم مجلس مفصل بررسی می‌شود.

تقسیمات کشوری و اداری

پایتخت تایلند شهر بانکوک است که همراه با شهر مجاور تونبوی بزرگترین شهر کشور را تشکیل می‌دهند. جمعیت هر دو شهر در اواسط ۱۹۸۳ میزان ۵/۶ میلیون نفر بوده است کشور تایلند جمعاً به ۷۲ استان تقسیم شده است. بعد از پایتخت شهرهای دیگر کشور جمعیت چندانی ندارد و برای مثال دومین شهر کشور چیانگ‌مای است که زیر ۲۰۰ هزار نفر، و شهرهای ناخون را جاسیما، خون کائن، اودون تهانی، بیان اولوک، هادیای، سونگخلا، ناخون‌سی تامارات، و ناخون ساوان بعضاً کمی بیشتر و عمدتاً کمتر از یکصد هزار نفر جمعیت دارند.



چگونگی شکل گیری اراده سیاسی

قدرت در پادشاهی تایلند در اختیار بخش مرکزی بورکراتیک حکومت یعنی نیروهای مسلح،

پلیس و دولت است تا احزاب سیاسی که تحت قوانین و نظامات پارلمانی فعالیت نمایند. تصمیماتی

سیاسی در بافت بورکراتیکی آغاز می شود که به عنوان نهادهای پارلمانی تلقی می شوند. در این

بافت مسلح نقش تعیین کننده ای دارند و تنی چند نفر از رهبری گروه حاکم را بوجود می آورند.

نفوذ قطعی و مؤثر این ساختار فرماندهی در سراسر تاریخ جدید تایلند قابل رؤیت است؛ از آغاز

دوره به اصطلاح قانون اساسی در ۱۹۳۲ یعنی زمانی که جمعی از افسران ارشد و جمعی از مقامات

غیرنظامی به سیستم موناشرشی مطلق خاتمه دادند تا امروز همچنان این پدیده در تایلند تسلط دارند.

گردانندگان کودتای ۱۹۳۲ صرفاً حاکمیت را به خود اختصاص داده و اختیارات ساختار

بورکراتیک وسیعی که توسط Chulalongkorn در پایان قرن نوزدهم به رسمیت شناخته شده و

مدرنیزه شده بود توسط همین بخش مرکزی حکومت قبضه شد. در ضمن مقامات بورکراسی که

در زبان تایلندی به آن Kha-Rachakan یعنی خدمه شاه می گویند تمامی مناسب خود را که

در طول چند قرن موناشرشی به جای مانده بود حفظ کردند. عصر قانون اساسی فقط در دو مقوله از

دوره پیش متمایز است:

۱. به حکومت شاه، شاهزادگان و نجیب‌زادگان و اشراف خاتمه داد.

۲. عصر موناشرشی مطلق را خاتمه بخشید.



معهدا مقامات سابق به گونه‌ای دیگر مزایا را بدست آوردند کما اینکه اشراف توانستند در مدیریت

کشور باقی بمانند و فقط شاهزادگان که قبلاً وزیران مختلف را رهبری می‌کردند از این موقعیت

محروم شدند.

مشکل حکومتی با توجه به این پیشینه در جابه‌جائی جدید مشروعیت سلطنتی نهفته است.

گردانندگان کودتا که در اروپا تحصیل کرده بودند تحت تأثیر فرهنگ غرب می‌خواستند

مشروعیت حکومت را بر مبنای سیستم قانون اساسی قرار دهند و در پی تحقیق زمینه‌های لازم برای

ایجاد نوعی دموکراسی به سبک غرب بودند. ولی واقعیات قدرت یعنی اعمال قدرت توسط نیروی

نظامی و بورکرات‌های غیرنظامی و نفوذ قطعی موکلین ولی نعمتان که رابطه ولی نعمت - خادم را

به جای تفکر مساوات بشر و صلاحیت براساس شایستگی‌ها که در غرب رایج است کرده بود، مانع

از هرگونه حرکت واقعی و جدی برای تحقیق سیستم بورکراسی تحت کنترل مردم و یا پلورالیستی

گردند که توسط اعضای پارلمان انتخاب شوند.

و هرچند در دهه ۱۹۳۰ انتخابات برگزار شد، با وجود این احزاب سیاسی تا بعد از جنگ جهانی دوم هیچ گونه مجالی برای فعالیت نداشتند. حتی در بعد از ۱۹۴۰ یعنی در نیمه همان دهه احزاب تمایل داشتند شبیه گروه‌های ارباب رعیتی در شکل سنتی آن فعالیت نمایند. این موضوع یعنی اولین گام‌ها برای حرکت به سمت فعالیت‌های پارلمانی با کودتای ۱۹۴۷ که رهبران نظامی زمان جنگ و فرماندهان قبل از جنگ را به قدرت رساند، ناگهان قطع شد. در آغاز آنها با رهبران احزاب در یک حالت حکومتی شبه پارلمانی همکاری کردند ولی در ۱۹۵۱ مقامات نظامی و سران پلیس قانون اساسی را لغو کرد، احزاب سیاسی را ممنوع و حکومت نظامی را برقرار ساختند. هرچند در ۱۹۵۵ مجدداً فرصتی برای حکومت پارلمانی ایجاد شد ولی کودتای سال ۱۹۵۷ به آن خاتمه داده و کودتای دیگر سال ۱۹۵۸ کلاً به حکومت پارلمانی خاتمه بخشید. در طول دهسال حکومت مارشال Sarit Thanarat و جانشینانش مارشال Thanom Kittikachon و نیز Praphat، فعالیت احزاب سیاسی کلاً از صحنه سیاسی کشور محو شد. در فاصله سال‌های ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۱ یک نوع دموکراسی کنترل شده بتدریج پدیدار شد.

تا این زمان به‌صورت توسعه اقتصادی و اجتماعی تایلند، از طریق محدودیت‌های تحمیلی رهبری نظامی، خارج از مرحله معموله رسیدن به نوعی سیستم کثرت‌گرای سیاسی عمل کرده است. در طول دهه گذشته تعداد دانش‌آموزان کشور برابر شده و دانشگاه‌هایی نیز در مناطق عمده تأسیس یافته است. توسعه دانشگاه‌ها منجر به شکل‌گیری منافع خاص شغلی و آموزشی برای طبقه متوسط در حال رشدی شده است که متشکل از معلمان، گروه حرفه‌ای‌ها، خدمات متوسط شهری و مجریان امور تجاری می‌باشد. در عین حال جمعیتی روستائی نیز برای یافتن کار و برخورداری از

زندگی بهتر به سوی شهرها مهاجرت کرده‌اند، این جمعیت بخصوص آنهایی که در بانکوک مستقر شده‌اند نیز لایه جدید اجتماعی به وجود آورده‌اند که همراه با گروه‌هایی که ذکر شد اشتیاقات و تمایلات خاص سیاسی و اقتصادی خود را که در افق رهبری نظامی کشور شکل گرفته است نشان می‌دهند.

در ۱۹۷۳ که کمبودهای مواد غذایی روستائی، تورم فزاینده و نیز دسته بازی‌های در حال رقابت درون گروه نظامی بالا گرفته بود و موجبات بی‌اعتباری سیستم کهنه را فراهم می‌ساخت، دانش‌آموزان رهبری نارضایتی عمومی را بدست گرفتند و بخشی از جریاناتی که به موجب قانون اساسی در تضاد فاحشی با آتو کراسی **Thanom - Praphat** قرار می‌گرفت، قادر شد دانش‌آموزان را بسیج کرده و حمایت مردمی وسیعی به‌دست آورد.

متعاقب این رخداد، **Tanom** از قدرت ساقط شده و پرافات **Prphat** کوشید تا به توسعه نهادهای پارلمانی دست زند. حتی این طرح سیاسی نیز بر پایه واقعیات اجتماعی تایلند پایه‌ریزی شد؛ حقوق غیر قابل سازش که منجر به فرسایش مزایا و اختیارات می‌شد، و شعارهای چپ‌گرایانه‌ای که پیام تغییرات مؤثر برای بهبود وضعیت زندگی روستائیان و اکثریت شهرنشین را سر داده بود. هرچند که ظهور طبقه متوسط تکنوکرات‌ها، مشاغل مختلف، آکادمیسین‌ها و تجار منجر به وضعیتی در ارتقای نظام پارلمانی داشت و امید رسیدن به روش زندگی بهتر را از طریق عناصر لیبرال بورکراسی وعده می‌داد ولی نتوانست با چالش‌گرایشات اصلاح‌گرا و بنیادگرای چپ به توافق برسد. و در این تقابل که در صحنه سیاسی تایلند بروز کرد، جناح چپ فقط مسلح به عقاید و اندیشه‌های چپ‌گرا بود در حالی که گروه راست اختیارات را در ید خود گرفته بود.

مهمترین و برجسته ترین ویژگی جناح راست توجه به احزاب سیاسی بود که متمایل به تأمین منافع و اهداف خاص گروهی خود بود تا علائق ایدئولوژیک. باید توجه داشت که گروهی خاص و مستقل و نه اساساً پیوند خورده با احزاب سیاسی، همیشه سعی داشت با سیاست های تائی هماهنگ باشد و اینها اهمیت بیشتری در صحنه سیاسی می یافتند و تا تعدادی احزاب سیاسی اقلیت. انگیزه این گروه های مستقل یا الحاق به دولت و یا حمایت از دولتی بود که تأثیر چشمگیری بر روند سیاست تائی داشته باشد. تعداد سی فرد مستقل در ۱۹۴۸، سیزده نفر در فوریه ۱۹۵۷، ۵۸ نفر در دسامبر ۱۹۵۷، ۷۳ نفر در ۱۹۶۹ و ۳۹ نفر در ۱۹۷۹ انتخاب شدند.

تشکل و فعالیت احزاب سیاسی تایلند تاکنون همواره تحت نفوذ نیروهای نظامی و مقامات بلند پایه ارتش بوده است. چنانچه نگاهی به تاریخ سیاسی تایلند بیندازیم بخوبی ملاحظه می کنیم که برغم توالی دولت های مختلف نظامی و غیر نظامی همه نشان از حضور مسلط نیروهای راستگرا و بنابراین احزاب مربوطه دارند. ولی به موازات آن جریانات مخالف و متنفذ اغلب رشد یافته و راه تحرک اینگونه احزاب را بعضاً با موانعی مواجه ساخته اند. از ۱۹۷۳ تا کنون همواره اعتراضات و غالباً تحریکات دانشجویی در صحنه سیاسی تایلند قابل مشاهده بوده است. آخرین بار ژنرال چات چای رهبر حزب ملیت تایلند به دفعات به اتهام فساد مورد انتقاد و حتی استیضاح قرار گرفت تا اینکه با کودتای ۲۳ فوریه ۱۹۹۱ توسط شورای نظامی حافظ صلح برکنار گردید. با کودتای مذکور چند حزب و دسته بندی سیاسی جدید در تاریخ تایلند متولد شده است که بالمآل باز ریشه در حضور مسلط نظامیان بلند پایه دارند. مهمترین احزاب فعال که تلاشی بی دریغ را برای کسب قدرت در پیش گرفته اند حزب ساماخی تام (The jutice) است که توسط سرهنگ نیروی هوایی به نام

ناکونتاپ تأسیس شد. رهبری حزب ساماخی تام که توانسته است برخی از رهبران دیگر احزاب و از جمله رهبر حزب همبستگی را به حزب خود جذب کند، اعلام کرده است که تمایل دارد با حزب چات چای (حزب ملت تایلند) ارتباط برقرار نماید تا در انتخابات آتی دولتی ائتلافی به ریاست ژنرال سوچیندا معاونت فعلی شورای نظامی و فرماندهی کل نیروهای مسلح و نیز نیروی زمینی تشکیل دهد.

ژنرال چات چای قبل از برکناری از قدرت، از رهبری حزب خود استعفا تموده بود و بجای او مارشال هوئی سومبون به رهبری حزب برگزیده شد که در حال حاضر نامبرده از افراد نزدیک به شورای نظامی می باشد و از این روی با حمایت حزب ساماخی تام از کاندیداتوری ژنرال یوچیندا و رهبری حزب چات چای توسط سومبون که خود نیز در شورای نظامی چهره قابل اعتمادی است، همواره این استنباط در محافل سیاسی مطرح می شود که شورای نظامی حافظ صلح در صدد است تا همچنان قدرت در دست امرای ارتش نگاه داشته و یا بر دولت آینده نفوذ و کنترل خود را اعمال کند.

بعدها رهبران چهار حزب سیاسی پالانگ دارما، همبستگی، دمکرات و آمال نوین در اجلاسی عمومی در دانشگاه تاماسات شرکت کردند. در این جلسه رهبری حزب آمال نوین به نام ژنرال چاوالیت گفت که رهبران نظامی از طرق مطبوعات در صدد الغای این نظرنند که دمکراسی باعث هرج و مرج شده و آنچه که تایلند در حال حاضر بدان نیاز دارد دیکتاتوری محدود است. وی

هشدار داد که سرانجام رهبران فعلی ارتش برای در دست گرفتن قدرت با یکدیگر درگیر خواهند شد.

حال با توجه به وضعیت تایلند به نظر می‌رسد که صحنه سیاسی آن کشور بی‌ثبات است. اما

فی الواقع این وضعیت حاکی از این است که ساختار سیاسی تایلند هنوز به بلوغ سیاسی نرسیده است و تشکیل احزاب نه بر اساس اعتقاد به یک ایدئولوژی و یک آرمان بلکه بر مبنای شخصیت‌ها و گروه‌های مختلف قدرت صورت می‌گیرد. نظریه دیگری که در رابطه با وضعیت تایلند مطرح است اینکه ارتش همواره عامدانه جوئی ناهمگون ایجاد می‌کند تا توجهی برای نگهداشتن قدرت در دست خود داشته باشد.